

نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی

دکتر احمد اشرف

به اهتمام
سید ابراهیم اشک شیرین



تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه	اشرف، احمد، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور	نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی / احمد اشرف؛ به اهتمام سید ابراهیم اشک شیرین
مشخصات نشر	تهران، گستره، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۴۶۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۹-۱۸-۰
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: جامعه شناسی - ایالات متحده
موضوع	: علوم اجتماعی - ایالات متحده
شناسه افزوده	: اشک شیرین، سید ابراهیم ۱۳۳۸ - گردآورنده.
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۵ الف ۸۷ الف / HM ۴۷۷
رده بندی دیویی	۳۰۱:
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۳۵۸۵۳



احمد اشرف

نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی

به اهتمام: سید ابراهیم اشک شیرین

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سروش

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:

نشر گستره

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

خیابان وحید نظری، کوچه جاوید یک، شماره ۱

تلفن و نمابر: ۸-۶۶۷۵۴۴۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۹-۱۸-۰

فهرست مطالب

یادداشت	یازده
منابع و مآخذ	بیست و سه
پیشگفتار	۱
بخش یکم	
جامعه‌شناسی انتقادی	۱۱
فصل اول: سی‌رایت میلز و جامعه‌شناسی انتقادی	۱۳
منابع و مآخذ	۲۷
فصل دوم: نقدی بر فونکسیونالیسم	
تحلیل تاریخی و اجتماعی	۲۹
۱. ریشه‌های کهن فونکسیونالیسم در تصوّر اورگان جامعه	۳۰
۲. نظریه اورگانی و اورگانیکسمی در دو قرن اخیر	۳۳
۳. پیدایش فونکسیونالیسم در اوایل قرن بیستم	۴۷
۴. در مفهوم فونکسیون و تحلیل فونکسیونی	۵۵
مفهوم‌هایی که در تحلیل فونکسیونی بکار می‌رود	۵۹
انواع تحلیل فونکسیونی	۶۵
فونکسیونالیسم دیالکتیک	۶۹
منابع و مآخذ	۷۵

بخش دوم

چهار گفتار در آسیب‌شناسی اجتماعی

فصل اول: فرهنگ فقر یا همسازی با فقر

۱۰۱. فرهنگ فقر از دیدگاه اسکار لوئیز

۱۰۵. انتقاد از نظریه فرهنگ فقر

۱۱۲. برداشتهای سه‌گانه درباره فقر

۱۱۲. ۱. نظری فرهنگ فقر

۱۱۳. ۲. نمونه نظری همسازی با فقر

۱۱۴. ۳. نمونه نظری ریند

۱۱۷. منابع و مآخذ

فصل دوم: نگاهی به نظریه‌های ایرانی کز رفتاری

۱۱۹. ۱. نگاهی به نظریه‌های کز رفتاری در اندیشه‌های اقوام هندو ایرانی

۱۲۱. ۲. دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی رباب کز رفتاری

۱۳۴. ۳. آراء سعدی درباره سرشت انسان و کز رفتاری اجتماعی

۱۴۵. منابع و مآخذ

فصل سوم: نظریه‌های روانشناختی کز رفتاری

۱۴۷. شیوه‌های تبیین روانی

۱۵۲. نظریه قانونی و اداری کز رفتاری

۱۵۸. نظریه تحصیلی و رفتاری

۱۵۹. ۱. نظریه‌های زیستی کز رفتاری

۱۶۴. ۲. نظریه‌های رفتاری بزهکاری

۱۷۵. ۳. انتقاد از نظریه‌های تحصیلی و رفتاری بزهکاری

۱۸۳	نظریه‌های روانکاوی کزرفتاری
۱۸۴	۱. نظریه‌های روان‌بویایی کزرفتاری
۱۹۳	۲. کزرفتاری و سازوکارهای دفاعی
۲۰۹	منابع و مآخذ
	فصل چهارم: نظریه‌های جامعه‌شناختی کزرفتاری
۲۱۱	تخمین نظریه جامعه‌شناسی کزرفتاری
۲۱۴	ناجاری و کزرفتاری
۲۱۵	۱. نظریه دوآکیم
۲۱۹	۲. نظریه برتن
۲۲۶	۳. کاربرد نظریه هنجاس در پژوهشهای تجربی
۲۳۲	تأثیر حمایت گروهی، اعمال هنجاس و عملکرد اجتماعی در کزرفتاری
۲۳۳	۱. نظریه حمایت گروهی کزرفتاری
۲۳۶	۲. نظریه انتقال فرهنگی و کزرفتاری
۲۴۵	۴. نظریه‌های برابند
۲۴۸	نظریه واکنش اجتماعی و نظریه درون‌فهمی و پدیدارشناسی کزرفتاری
۲۴۹	۱. نظریه واکنش اجتماعی و برجسب بزهکاری
۲۵۶	۲. نظریه‌های درون‌فهمی و پدیدارشناسی کزرفتاری
۲۷۵	نظریه‌های کشاکش اجتماعی و کزرفتاری
۲۷۶	۱. نظریه مارکس، انگلس و بُنگر
۲۸۰	۲. نظریه‌های جدید کشاکش اجتماعی
۲۸۶	۳. نظریه انتقادی و جامعه‌شناسی کزرفتاری
۲۹۱	منابع و مآخذ

بخش سوم

ماکس وبر و علوم اجتماعی

فصل اوّل: زندگی و آثار ماکس وبر

فصل دوم: روش‌شناسی ماکس وبر ۳۱۵

فصل سوم: جامعه‌شناسی عمومی ماکس وبر ۳۲۲

مرحله نخست: تعریف جامعه‌شناسی و عمل اجتماعی ۳۳۵

مرحله دوم: گونه‌شناسی عمل اجتماعی ۳۴۱

مرحله سوم: اخت نمونه‌های متعالی از همشکلیهای عمل اجتماعی ۳۴۴

مرحله چهارم: اخت نمونه‌های متعالی از شبکه روابط آدمی ۳۴۶

نتیجه ۳۴۹

فصل چهارم: جامعه‌شناسی نابریاب‌ای طبقاتی ماکس وبر ۳۵۱

بازار کار و کالا: عامل سیر کننده طبقه اقتصادی ۳۵۴

وضع طبقاتی و منافع مشترک ۳۵۶

قدر و منزلت اجتماعی ۳۵۹

فصل پنجم: جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر ۳۶۳

سلطه مشروع سنتی ۳۷۱

فصل ششم: جامعه‌شناسی سیاسی نظامهای شهرداری و فتودالیسم ۳۷۹

نظام پاتریمونیال (شهرداری) ۳۷۹

فتودالیسم ۳۸۶

فصل هفتم: جامعه‌شناسی سیاسی نظامهای پیشوایی و عقلانی ماکس وبر ۳۹۳

سلطه مشروع پیشوائی ۳۹۳

سلطه مشروع قانونی و عقلی ۴۰۳

منابع و مآخذ ۴۱۳

ضمیمه

۴۱۷ رابرت مک آیور و جامعه‌شناسی درایتی و تفهّمی

فهارس

۴۳۵ اصطلاحات و تعابیر

۴۴۵ اشخاص

۴۵۵ کتب

۴۶۵ اماکن

۴۶۵ اقوام و فرق و گروه‌ها

www.ketab.ir

یادداشت

علوم انسانی و اجتماعی هم مبدء را محافظ و عالم یا نهاده در «راه دشوار تجدد»^۱ را دليل و راهنماست و از اينرو از حايكاهى انستى در دوران جديد برخوردار است و با صرف نظر كردن از آن نه ممالك صدى و سرمايه دارى و امپرياليستى مى توانند سالم از بحرانها بگذرند و البته اگر از هر بحراني بترسند - گذشته و نه ممالك در حال توسعه و كسانى كه در سر سوداى توسعه دارند راه را از جاده و پايگاه و برهوت تشخيص توانند داد. فلهاذا «اگر بتوان طرح عالم و جامعه اى در افكند اصول و غايات و سوداى تجدد بر آن غالب نباشد، شايد در آن هيچ نيازى به علوم اجتماعى [و انسانى] پيدانشود».^۲ اما امروزه در كره ارض چنين قوم و ولايتى وجود خارجى ندارد و اين بدان معنى نيست كه هميشه هم چنين خواهد بود و عالم تجدد مطلق است و غير از آن امكانى در افق آينده بشر نيست.

اما پرسش اصلى اين است كه ما چه نياز و نسيق با علوم انساني و اجتماعى داشته و

۱. اشاره است به كتاب متفكر و فيلسوف معاصر جناب آقاى دكتر رضا داوورى اردكاني بنام ما
راه دشوار تجدد.

۲. رضا داوورى اردكاني، سير تجدد و علم جديد در ايران، تهران، فرداى ديگر، ۱۳۹۱،
ص ۳۰۸.

داریم، چگونه از بدایت امر با آن مواجهه شده و چه اندازه در آن رسوخ کرده و توانسته‌ایم اهل رأی و نظر شویم.

ما با علوم انسانی و اجتماعی زمانی مواجهه شدیم که در یک انحطاط تاریخی همه‌جانبه و در همه شؤونات مبتلا بودیم و از سویی دسائس و دخالت‌های همه‌جانبه دشمن اجنبی و استعمارگر غدار را هم نباید فراموش کرد و این ابتلا در حال تزايد است و نمی‌تواند گرد گرهی خاص را مقصر دانست و این انحطاط از دوران صفویه و شاید پیش از آن شروع شده باشد. و غیر از آثار ملموس تاریخی و انحاء مختلف آن، این بحران از بعضی آثار ریسنگان داخلی و مشاهده‌کنندگان اجنبی هم به وضوح آشکار است.^۱ در عین حال که در راهی در حال توسعه برای فراگرفتن و اخذ علوم انسانی و اجتماعی با مشکلات عاید و روبرو شده‌اند، از جمله اخذ این علوم نیاز به صرف وقت و مجال و حوصله و حلاوت دارد که مردم جهان در حال توسعه کمتر این مجال دیده می‌شود، فقط می‌خواهند با صد تاله یک شبه بیایند که این امر تئمای محال است.

«اینجا همه در فکر احیاء دوران درخشش و پیروز هستند و در این فکر هستند که از امروز به فردا یکباره ثروتمند شوند. اینجا کار مثبت کمتر مورد توجه است.»^۲

۱. برای نمونه «سفرنامه کروسینسکی (یادداشت‌های کشیش نمسوی عصر صفوی)، ترجمه عبدالرزاق ذنبلی (مفتون)، به کوشش مریم میراحمدی، تهران، توس، ۱۳۶۳؛ یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۶؛ هما ناطق، بازرگانان، تهران، توس، ۱۳۷۳؛ سید محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان، تهران، موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۶؛ حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۲. نامه‌های کنت دو گوینو و الکسی دو توکویل، ترجمه رحمة‌الله مقدم مراغه‌ای، [بی‌جا]، ابن سینا، ۱۳۵۳، ص ۵۶.

حقیقت جلوه‌های و چهره‌های مختلف دارد و هم محسوس است و هم معقول و هم موضوع کشف و شهود و در علوم اجتماعی بایست به همه این وجوه و جنبه‌ها التفات کرد و همچنین به سوابق و تاریخ و سیر تکوینی و تطوّر آنها مسبوق بود تا جامعه را شناخت و به امکانات پیشرو و قوف یافت، چیزی که علوم اجتماعی ما در این وجوه یا نظر نداشته یا سطحی و ایدئولوژی‌زده و سیاست‌زده عطف نظر کرده است.^۱ در عین حال کسانی که این وادی می‌توانند صاحب‌رأی و نظر شوند که شناختی عمیق و اساسی از ماهیت انسان و سنت و فرهنگ قوم خود و دیگر اقوام و سیر تاریخی سنت و فرهنگ و عالمی که انسان در آن بسر می‌برد و آراء و عقاید صاحب‌نظران فرهنگها و اقوام دیگر کسب کرده باشند.

«جامعه‌شناسی با اقلیم ثلاثی سروکار دارد و از این سه هیچیک نمی‌تواند بدون دوتای دیگر موجزیت داشته باشد و گرچه از دید تحلیلی می‌توان در آغاز مطالعات و پژوهشها، جامعه و فرهنگ شخصیت را جدا از هم مطرح کرد؛ اما در نهایت کار ناچار باید پیوند نیرومند آن سه التفات نمود.»^۲

از سوئی مجامع و مراکز و مؤسسات علمی و پژوهشی پس از روز و بوم بیشتر فرمایشی است و پس از تأسیس سیر نزولی دارد و بهترین دوا آنها همان ابتدای تأسیس آنهاست^۳، لذا فقط صرف سرمایه است و هدر دادن وقت، کم رخت دارد که از جایی کنده شده و در برهوقی به زمین فرو برده شده باشد، بدون اینکه کمترین توجه‌ای به شرایط اقلیمی و مقدمات و امکانات و نیازهای ارگانیک آن شده باشد و

۱. ← شاپور راسخ، «احوال و آراء پ. آ. سوروگین»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۲ (زمستان ۱۳۴۷)، ص ۵۷-۶۹.

۲. ایضاً، ص ۶۴.

۳. ← رضا داوری اردکانی، سیر تجدد و علم جدید در ایران، ص ۳۱۶-۲۵۹.

بعد از مدتی یا مثل دارالفنون به دبیرستان عادی تبدیل می‌شود و سرانجام درش را گِل می‌گیرند یا به چاله‌ای تبدیل می‌شود که فقط پول می‌بلعد و بس و هیچکس را هم وقت و مجال آن نیست که پرسش کند کجای کار می‌لنگد و مشکل چیست؟

«دارالفنون در راهی قرار گرفته بود که به تعطیل می‌رسید. مدرسه علوم سیاسی هم سرنوشتی بهتر از این نداشت. این هر دو مدرسه، در سالهای ابتدا سیس وضعی بهتر از همیشه داشتند و هر چه زمان گذشت کم‌کم خراب‌تر شدند و این وضع به این دو مدرسه اختصاص نداشت، بلکه شاید بتوان گفت که در تاریخ تجددمآبی ما به صورت یک اصل و قاعده درآمده است تا آنجا که روشن بسته شد.»^۱

اگر قومی واجد سنت و ودایع تاریخی باشد، واجد فرهنگ یعنی حقیقی خواهد بود و می‌تواند اهل ذکر و فکر بوده، موقف خود را در تاریخ دریابد و اعمال آن متناسب با اوضاع و شرایط است. وقتی نسبت قومی با سنت گسیخته و یا به فراموشی سپرده شد و یا اوهام و اساطیر و خرافات بجای آن نشست، اعمال و رفتار او هم جز عادات و تقالید بی‌ربط و ضبط نخواهد بود و ادامه نخواهد یافت و مضمحل خواهد بود و تکرار مکررات ملال آور است.

«دانشگاه یک مرکز علمی است که به انتقال علم اکتفا نمی‌کند، بلکه علم را پیش می‌برد... در کشور ما... پس از اینکه دانشگاه تأسیس شد، در آنجا جز تدریس کاری نمی‌کردند. پیداست که چنین دانشگاهی با دانشگاه حقیقی که

در آن آموزش و پژوهش بنحو مناسب صورت می گیرد، یکی نیست؛ بلکه روگرفت ناقصی از دانشگاه حقیقی است.»^۱

به علوم انسانی و اجتماعی در بدایت آشنائی نیم‌بند منورالفکران و دولتمردان به صورت دانشگاهی التفات نشد و مدرک و سندی هم در دست نداریم که بدان احساس نیاز شده باشد و یا کسی طالب آن باشد و بین دانشجویان اعزامی به فرنگستان هم کسی به سمتی خورد که جهت تحصیل در این علوم راهی آنجا شده باشد، بلکه از اینجا شروع شد که مضمّن سوخته شدند هر کاری مقدّماتی دارد و نمی‌شود هر شاهزاده یا اشراف‌زاده‌ای را بدون کسب دانش و اهلّیت به عنوان سفیر و کارگذار راهی فرنگ کرد و ننگ و شرمندگی بار آورد، لذا در سال ۱۲۷۸ هـ. مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد برای رفع این نقص و تربیت کارمندان شایسته. از طریق دروس همین مدرسه بود که جسته و گریخته مطالبی درس و یادگرفته و بی‌اساس و بنیاد از علوم انسانی و اجتماعی هم تدریس می‌شد، ولی غیر از این «اصول علم ثروت ملل محمدعلی فروغی» که طبع و در مدرسه تدریس می‌شد،^۲ نه کتاب درسی و کمک درسی و اصولی قابل توجهی تألیف شد و نه ترجمه. اگر مختصری از کتاب «سیسموندی» ترجمه شد کسی آن را نخواند. چرا که بجز همان نسخه اصلی که جز کتابهای کتابخانه ملی است، جای دیگر از این کتاب نسخه‌ای دیده نشده است و گمان نمی‌رود کسی به صرافان طبع افتاده و حتی یکبار آن را توزّق کرده باشد، چون اثر و خبری از آن در هیچ نوشته‌ای ندیده شد.^۳

ظاهراً نخستین درس علوم اجتماعی در سال ۱۳۱۴ ش. با تأسیس دانشگاه تهران

۱. رضا داوری اردکانی، سیر تجدّد و علم جدید در ایران، ص ۲۳۶.

۲. محمدعلی فروغی، اصول علم ثروت ملل، به اهتمام حسین عظیمی، تهران، فرزان روز،

۱۳۷۷.

۳. سیسموندی، اکونومی پلیتیک: آداب مملکتداری، به اهتمام ناصر پاکدامن، تهران، نشر نی،

۱۳۸۶.

دائر شد، ولی کتاب درخور ذکری نه ترجمه شد و نه تألیف تا اینکه سرانجام مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد. مؤسسه مذکور در آغاز افراد زیادی با سوابق و سلیقه‌ها و افکار و عقائد گوناگون و تواناییهای مختلف بکار واداشت و شاید دربار و آمران او هم از این عمل و جو پیشامده چندان ناراضی نبودند؛ چون بعد از سقوط دیکتاتوری رضاشاه بود و دورهٔ اصلاحات کذایی آمریکا و از سالی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و انشعاب و بحران در بزرگترین و اثرگذارترین حزب که در تاریخ این مرز و بوم به معنی حقیقی لفظ بوجود آمده بود، یعنی «حزب تودهٔ ایران»^۱ حربه‌ی ری‌رغم تبلیغات علیه آن و جو دینی و مذهبی کشور در اقصی نقاط ایران حتی ده‌ها روز در دفتر و دستک داشت و صدها نفر نویسنده و شاعر و متفکر در دامان خود پرورش داد و کین حکومت دست‌نشانده و منافع نامشروع دول استعماری امپریالیستی را تهدید می‌کرد و آنها با توطئه و صرف وقت و مال آن را لجن مال کرده، آخر الامر از هم پاشیده بودند. یکی از اوقات کتب علوم اجتماعی و سیاسی، یعنی کاپیتال مارکس توسط یکی از اعضا، این حزب از زبان اصلی به فارسی ترجمه و نشر شد، ولی مع‌الاسف یک مقاله چه پیش و چه بعد از انقلاب در نقد و معرفی این کتاب «دورانساز» نوشته و نشر نشد.^۲ طبیعی است «کتابی که مدغم شود، در حقیقت خوانده نشده است».^۳

از اینرو مؤسسهٔ علوم اجتماعی توانست از این فرصت پست‌مانده و میدان خالی استفاده کرده و مطالعات و پژوهشهای قابل توجهی در بعضی زمینه‌ها انجام دهد که بعضی طبع شده و بعضی در بایگانی آن ماند و مع‌الاسف ضایع شد.

۱. رضا داوری اردکانی، «۱۵۰ سال درس خوانده‌ایم بی آنکه فکر کنیم»، پنجره، س ۴.

ش ۱۴۰ (شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۱)، ص ۳۲.

۲. رضا داوری اردکانی، سیر تجدد و علم جدید در ایران، ص ۲۷۰.